

کوردستان

کوردستان دیموکراتیکی یا زرد و بی بی

۱۸ - قدریجه

دی ۱۳۹۲ شنبه ۲۹

27

۱۶- فرمادی

بو مزگینی خوشویستان

به ۵۰٪ی چاوی نه گمهویستان

به کمالی شفقت و مهربانی و روحخوشی داده‌شده
بارگیری داده و قبولی یعنی دتفناره.
لندوی بیعت به محض دلسانی و شرفه دوق و
خوبی گرمه‌بومه گله‌لئو وش گدیری‌خواه و سمت
به دل راضی نمایو و به آشکارا شذور منی ده گردید
و نهی دتفناره افرادی ملت‌نیز و دلوسیان
ماج ده گردید. کفو کولی دلی خوبیان به زواره
دمشوت، دوینای گوره‌ستان لعطری شادی برپرسی
لوازی به غیرتی گورد که له گولله و نیزه قات
کروزان نیو له زمانی منحوسی رضالخان تو گردید
نزاوه کان له خذمه‌ی تقاضی خوبان دستاره دهه و کو
پولی گوره هعلویان داربرم برهم بیون و پلا
کراپون. و گویانه ده دا گوشن و تالا
سکرتی پرساوایا بوکس و کاری خوبی
ایستا آغا و مت رعیت و شارستان و دهانی هنگله
جو اوان جمیل پیره کائیش بولبول به دلیکی برا
امانو غیره تهه دا خواه و ازون و پیش سارکه
بر اکنی کورد که له دهه دهه و هاوسیکان بین
خودانیه و دهه هدوتیه و رهه گزیک بهدره کیهی و زر کری
همه کس حق هیه ناجوار بیواری-تازی خواره دهه سه‌هستی
و چموزه‌هی کوره‌ستان و همام‌حکم دامزراوه
لیتر جاواری به دهه ناقچ کاری لی ناکا، و هدتا جهان
مسر زمزدها بدمرغه‌شنه وه شهلای ده و کرانی
کوره‌ستان هصر بدراز دهه و گکلو گونی
تی؛ گری. بیوچی؟
چاره‌رشیوه بون و پیشه‌جهی شلبه زوره‌ی شتر گیزه‌ی زریت
ده کوشی. به که که کمک بیهی بکهه دهه تو زیک و در دیهه و هینهه
له چلچونتی هسلوسانی کاره‌واری دوینابنکن. بولان دونه دهی که
برهه‌لشی هدره که‌وره آزادی و دوزه‌منی بیه روزه و زوره‌داری
آدمیزاد و نه‌سده‌هی زانست و خوبیشند و شمارشنه‌تی
خره‌واری بهم‌چه بزره له گهله احلاس‌باکی میله
کوره دههها آوان دوایه که‌ناهید جوی بونه‌هه بیان له
پکتر تصوره‌نکاری بهه ناهیل خلک بخطونی. امشتابه جاوی
قدیکی ستووه، و گوی خلک‌لکی آخته. و ناخالی سینه و پلیه
آدمیزاد و همه‌ی ایهه سه، همه‌ی ایهه فیله

آدمیزاد بوبه دروست کرایه بسیاریستی بزی: هیچ نهادهای
کلی لهدستی ندانم به کی دی دی دیل بی آزادی به ششگی
خود را بخواه و دهی هد و تبره و زه گزیز بده خود را می بخواه کرد
همو کس حقی هیله همچوار بیانی خود را بینه از بسته
را پیوری .
کجی داخه کم له دو نیای نه برودا که نه گنده خلوی دخته آزادی
و دیمو کرایه : و چانی آنوم و کارمهه . هشتازون به کاره کاره
سر زمی هزار دستی و دیلی ران دم بورن و هزار هزار هزار
چاره رمبویه بون و پنهانجهی ظامو زوره ازی شمر گین زید
ده کوشی . هکه کمیک رسی بکنده و مو تو زن و بور دیده و هر چند
لچانه ای هسلوانی کارو باری دوپلاکن . بو آن رون دهی
برهه لستی هزنه که ورم آزادی و دوزمنی هی زمز و زور دار
آدمیزاد و نعمه و می زانست و خوشیدن و شمارشته
هر سیاستی شومی استعماره ، پانی است نهاد
بونه هوی جارو مرمنی آدمیزاد ، استماره بسیاره کانی ده کی
آزادی ده کا ، استماره ناهیل خلخت بخوشی . استماره جان
حده لکی بستوه ، و کوئی خلکی آتخته ، و ناهیل میشی و بول
حده لکی بستوه ، و کوئی خلکی آتخته ، و ناهیل میشی و بول

هر سیاستی شوهم استعماره ، با هی استعماره
بونه هوی جاوده‌شی آدمیزاد ، استعماره بسیاره کنن ده . گدن
آزادی ده کا ، استعماره تاپلی خلئک پتوخونی ، استعماره جایی
خلکی مسووه ، و گوی خلکی آستره ، و ناخیلی سینی دبل .

استعماره : ۹ میلیون کو دیروزه را خانه و خانواده ، لعنه عیشه
کرد و قفوکر و چاولد دهست دوزمنان کمکردهستانی
رنهگیزی پر پیشوی بدره که تی سکر رذقته مستعمره دی
تورک و عرب و ایران بتو قازانچی خواری .

ده گل نهندنا کمیجیان به شفوهش دین و یاری به
سر کردو کوردستاندا آخیه‌نی بکدن . بدنه بسیویه
استماره کان هوشان بینه بهترخوان ، نهودن بزان که به
یه گمه که که مانی نجیبی کورد پیشان بسیوشانی
خوان کرد . چیپش کله کله خلقای راشدین
در پی المعنیه کر ای : ۲۰ هزار نه فدر
مالی نجیبی کورد : عالماء ، مشايخ ، سادات .
اشرافه نهار و وزیر ، کارگر ، و ...
مشتی پیشان در زرده کرده و شو ذاته معلمدهش

مهده نهاده ۳

ماوهی جیزی سه ره خوبی
له پیش مه رسمه خانمه هیزی

«ج» - ووتاری برای پشتیز ان اسداعیل ایلخانی زاده

مدوش ویکه کاجن چورخیکه کورد چاهو رویانی نهوفت به
هزاران یاری کوره مزدی نزل به آواهه در من و نهستوی که بجهو
قدی توشاومه و فرمیسک سر و هامی سارهی خوان برده
بن گلی و بعوتصوده نه که بشن نهن که نوش له کانگی سعر
گردن بوجزیزی سرمه خونی کوردستان و ماناندنی رئیس جمهوری
کوردستان حاضر ناز اتم خونه باخته چونکه بله دزمغانی
و بکتابوری واشیده ادی رضاحتن دا نه سایله‌هی چو مسدریز خانی
ییگانه کاتی خونخوار . بربره خیال و بجهه کانگی سر کردن
یغولی خوان (کوب افسان) به ائمه نفر سردار از هنکه پیش و بعدي

بولی کوثر خالیان دا برم برم میبون و بلازو
کرايون . و کریبان نه دهدا سکونت و نالانو
گرتی بسا او سایبو کس و گاری خوسان
ایست آغا و موت دیغه شناسان و دهانی هنگاهه
جو اتو جیل بیره کمیش بول بول بدلیکی برله
ایمان غیره تهه دا خوشون بیش سر کسی
(سر بازی) خود منون و دالخلي بفرز دین :

وصاحب ملکه کاوار ناچره کان که ده دوره دی
دیکتوري دا جونکو ده بارتانی هیجاوی دوز -
مانه تی نشانان ده کوون به دهشی ییگانه گری
ایلان ده ساندن بعده موجوریک تقلايان ده ده مالیات
بده نهین اما نه وسته هم بخوان حاضر دین
بی درو و دلمه زور بروحو کیسو بیجاواشی
خوشده حقی خوان دهدن و قبیضی گهشت و مر
ده گردن بخشی فرده هنگیه بایه سده باره دی گردن
ماوهی لاصمه ۴

خوش دوست ده کم و ره جامه و سر کر ده مثیده
لدویه کعبه نزدی و ساره باره کماناره بیو
سینکی من کرد سینکی دوزنن کون کون کون
و ده آخری و تاری خود مدا دلیم :

بزی رئیس جمهور و پیشوای کوردستان
بزی کوردستان سک و ره بزی آزادی بخش
میللته ضعف :

(د) نقطی آغازی براییم ایلخانی زاده
نه من نور خوم پیشویخت ده زانم لجه‌زنی سر
بیشونی کور دست نهاد که بعده عمل جباره کان کانی
سر کر ده کانی هیز دیس کرانی کور دستان
حاشدروم بدلیکی با کو خاونده تبریکه بتمامی
مانه نهایه ده

کتاب ادبی مکوندستان

$$\frac{d}{dt} \left(\frac{\partial \mathcal{L}}{\partial \dot{x}_i} \right) = \frac{d^2 \mathcal{L}}{dt^2} x_i + \frac{d}{dt} \left(\frac{\partial \mathcal{L}}{\partial x_i} \right)$$

کویر شان از زندگی تاریخی خود تا سال ۱۴۷۰
سیاکسار

Digitized by srujanika@gmail.com

آندر جوئیل و آندریت

سخنگوی اولین آئینه جو پسر دید را تاختت کرد

خشن است برای اینکه گرفتار شدند تاکه
سازده و خودناده طیپی داشته باشند
و در سنه ۱۸۶۲ پیش از آن پرداز
تبریز کردند از اینها اشتباه را چون ویران شدند
که آن پریز بودند پرگ آشیانی صابر درست
مذاق اتفاق نداشت و چنانچه پریز بودند
[پریز گذنس] پاکیزه کشان خلقد درست و سرت
با دختر پادشاه ماد [آمیش] زن شوی کرد
در تفہیب این قضاها گشوار ماد مددود بود از
حایزه به همان و وز پاچر به روید هالیس
(تول ایرانی) از شمل به پسر خان و از جنوب
به خراج فارس خلاصه غلات از این پاچریشی از
آشیانی مذیبر ماد اینها شناختند گرفتار گردیدند
مدت شش سال بازی پسران چندگاه درسال هفت
که بوق شمسی رخ داد و طریق پدری از این
پیش آمد هر ساله شدند که تواند چنگ کشند
دولت پایل و اسطه مین دولت ماد ولیعی گرفتند
و رودهالیس سرحد بین دو کشور گشت
کی کشوار درسال بعد (۱۸۶۳ق) وکت کرد
آشیانی

چنانین کیا کار موسوم به آستین (اشتوگو) است این پادشاه مدت مددی پارهای پادشاهی کرد در زمان او دریان ماد هایت مجلل و بسکوه گشت و در هزاران پالایشی قریب روگ و آراسته پنجه های زورن در عین چال میزدست افراط در چشم و خود آرایی و ترک سادگی که بالغین مسلم مختار گرف است برای پادشاه ماد گران تمام شد و مردم از او ناخشنود گشتهند و در سال ۲۵۵ پیش از میلاد کوکوش پسرگ گنجاند شاهزاده گنگ دوست هنامتشی باستان دولت مادرانه منتظر شد که در آن دنیا

له یو یو یو
قمره مانکندی
را گاهی بیندرا
نهایه گاهه زده
نمود آنها نمود
کو یونیورسیتی
دستگیری
گفت چه
نه گفت فرم
کورس دانش
فرار از دانش
ستی ۸
خانم قدری خواه
قدرتی خواه
بر گفت ایوان
ایام اخلاقی فرا
دانشمندان
دمستی پیش
چاون، اینی
شیرین له
یوس کیفیت
سکون در
نیو موراستی
له لالیت ای
آتمدیسانی
پروردید

بیو-هارسی و پلی‌لادیکو-کوئیا-کارپت-لیکن-لیکن-لیکن-لیکن

سیان لیکنگی مکانیزم این را تجارت می‌داند.
پنجم رزی حبشه و زاده همچو رسکان و داشداری
حکومتی این ریاست را در این سیاست می‌خواهند.
پنجم قاضی عده و نایاب می‌خواهند این را در این
دستورهای اداری خواهند داشت.

زانايانى كورد
عاهلەتىن ابن عثمانى

زام) ۲ سال استانداری علمی کرده و نه که در مدت ۴۰ سال
چوبی هدایت کردند. همچوین خدمت ایوبیکر اندی (هملا
کنجکیک) بر راهنمایی خود دستور ایوبیکر اندی رسانید
[استادی] که نه علمی را باشید باید پوشی و دسته افتد
و نه وی اجازی معلمی علایی و ظرفی و من گز تو خود و دو
پنجه لاملاحده محسن این قرآنیش اجازی همچو
علویکی و مرگ کوت سرخون مغلاین نه سال
۱۳۷۳ نهادی کلایی در مسولی سیست ۸ سالی ندرس
کرد نه اسالی ۱۳۶۱ داده اندیمه ایوبیکر که
خطب ملاصدوری نه کوت و چوی سرتیجیک و نه وی
فراریش شرایحه زیبی تلقی کرد و له بادرد مرد و
پیکان تیغه ندرسی کرده و نهادی ۱۳۷۷ دا
دو بطریه ملای اهانه کلایی رسولی سیست و المسالی
۱۳۶۶ - ق داده و نهادی کو ایس و آیاری ای ای
وقایی کرد و نهایتی سوزی بیان بیرون ای سالی
قرازوی اندرسی گزه و هرجیجی حاضر داشم برو و
نهایی شت نهاده سگی و مرگ کوت کوت و نهادی اندرسی و عزی
و کوکوی شعری ندرسی و (ایشند) آرسی ایوسه
که نه ایشندی شیخ مروف بر قریه نهاده و شرم
کاندا تخلصی (خلالی) بیان اندرسی ۱۳۷۴ که
کرده و مکمل نهاده و نهاده و نهاده و نهاده

سالیک خودرگتی و دستی ۱۳۰۵ هـ در جزیره
هرقی و لهنده، حاجی ملا عبدالله کوئی (جلی)
لوردی مومن داوان استقلالیان بـ، کره
غزیکی میلی به کوره دی همچه هوندو، کیمیونه
ماوهی، لامبره ۳

کهدا سی جوار دارشکین یون گذاشک باز
بو گلا و سور بردا و میاندیشی و اولیه داده د

ولت ویتبین د گردید بدر حال ازونه که باشند و نشانی از پیروزی سکلار مسیحیان داشتند

کلاه و دریش بتویگا درین گونه از روزانه زدن

زیارت و دعوی پیوستی داده و میگذرد.

بیوام گورگ که بیشنه مائده وی تهدید کرد

گلزاری خوشکارانه داشته که

پیوناردوی واحوال پرستیت دکا . پوری گزنه
کوه قصیر - زدن آن کوه . هفتاد و دو کلاده

گورگ مردانه دایانا در کله کیاره زد
کلابز و پسته خورد

نیز میتواند این را در میان افرادی که با خود میکنند،
نمایش دهد.

مکونگ دنگی حزی قدری و کوچک

داییکم تاردویه احوال پرسی تو و شسته بودند
مام گویند گ کوئی سر زدن آن که کنی هنی د

د گرته و د کلاؤسور که او دنگه بورمی بیست
زورترسا پاشان گلوقی بردم سرمای بود درنگ

دنگی بوریومی پیر صورت جوده زور مام نگو
سری لهین لیقهی تابو کوتی شنگان دانی و

روت کهود و زرده خناکیش رو گلازوسر جوید
کوتی ای بوری لاقت بوا استزرن گرفتی

هاجه^۱ بدوی تو! هلیم کوئی جاوتیزی از
کوئی تاقوی چاشیی بیشم کسری دست

زلامه کوئی هالنوي ہے جاک مجاوہں
کوئی بوری ددات ہڑوا زلانہ کوئی ہٹا

پی جاک هندرم بکو رگ ازهی کوت-خوی داده
سری چی بهجی خلواندی .

اموری مذکوره نسبتاً صحیح بصری : چون تو پایین رود
که کوچکی کوچکی به من می‌خانم خوبی و بسیار گشته
۳ - زمانه ۲۷ آذرمه ۲۰ و سویعی کوچک و داد
با این طرز متوجه شدیم ۱۰ کاهنه (النادی
پیغمبر) به صفاتی پیکر و درست .
۴ - زمانه ۲۶ سفر ایلخانی و ایلخانه ۲ (۱۳۷۸)
تاجیکی ۲۵ نسبتاً صحیح گشته :

شہریانہتی

۱۰۷

جی-ژنی سربهخوبی له گهاردي گلان

هوي جيزياني سار مخوتو كوردستان و تاياندي جهناندي رئيسي
جيوري خوش و متي كوردستان روزي ١٦ ربستان لهابن
آشاني سيد عبد السلام صدری خري ديموكراطي گاورستان
لکي گردبگلان جيزينكى زور به تين سازكرا وجنهانى حاجى
سید حسین و سيد محمد نورانى زينيل و چند كمسي ديكله
دهنهانى مدبره توخهانلى ديكله له تم جيزيينهاد شرکيان برو
نه لان آغايانى سيد عبد السلام صدرى خرب و سيد كامل ثاب
صدري يوک و بالاعبد الله بازرسى خري گردبگلان و شيش احمد
مشتري خرب و سيد طاهرى كورى سيد كيلان كله تعمنى دوازده
سايداه و چند كمسي ديكله بديي يدر تاه و تار ده قاله ي
گرم و گور كوترا و خويندريهون و شيلبيكى به هاييهت به
انجازاري سورېستي كوردستان كرا
هيشان ميرهه خرب دمو كران كوردستان لکي گردبگلان
سد سلام نوي . سيد عبد الله

(آگاداری)

ب-۴-تسوی ڈونوں سروہ لمسہ رقراری کومیتے می
عمر کزی حزبی دیمو کرات کورستان بہتہ وای
امورینی حکومتی کورستان وملت رادہ کہ یندورت
دھر کس لھر مددوں کوہ بھر نیو اک تھے نیک تا
چ-ہن تامن یوہ لسورا ادنی کاریسکی (جس قانونی
شرعي وغیرہ) بہر تیواری شوہد بذات و باور دیگری لہ پاش
معاویون یہ خایانی ملت و مملکت دہنسار یو فراری
مجازاتی نہ کسانش لہ دھسال جسی هتنا کوشش
(اعدام) تصوب و مقرر کراوہ ۔
کومیتے مدر کزی حزبی دیمو کرات کورستان

هز گیمچی، باش حقان نشان داشتند که
جیج که بسیار سایه پنهان داشتند اینجا به
نهی هرچ چنانچه بکی هزار نیمه هزار هزار کس
منشاهه کردند و معمدانه این اتفاق را در دنیا نیز نداشتند
که جن بخوبی شناسیدند که این آدمیان از این کسان
خوبندند یعنی این شروران بکی همانند این انسان
خوبندند و این انسان بکی همانند این انسان
و همراه بخوبی هادووند گشان اند این انسان
فروم اگر خوبی داشته باشد میتواند این انسان را بخوبی
ناخواندند و بعد میشود که همچون این انسان خوب است
که بخوبی بخوبی شناسیدند این انسان را بخوبی
به گرفته بخوبی برپان از تو زدن این انسان را بخوبی
نهی گیرید که بخوبی داشتند این انسان را بخوبی
دارای این امداد بخوبی داشتند این انسان را بخوبی
که بخوبی داشتند این انسان را بخوبی داشتند
دوست داشتند این انسان را بخوبی داشتند

لهم الله خلوقك شفاعة في كل مكان سعادتك
دين عزتك ينادي من دونك لا يجد ملائكة
عدهم دعوة إيمانهم أقوى مني، وآمنت بالله
له بريء مفترض آمن بغيره، وآمنت بالله
خوداً فاني وأنا بريء بغيره، وآمنت بالله
ومنك يكفي دوري مدارس الـ ١٢ لـ ٦٠٠ طلاب
نوسيرو بشارك بـ ٣٠٠ طلاب بـ ٩٠٠ طلاب
جبله ورسيو (البعض انتقامي لكنه ليس
كبير) مستأهنة هدفها مدارس الـ ١٢ لـ ٦٠٠ طلاب
جزر نو سناري وشافشو وفه، ثم نو سن اسلازي
واسلامي هدوبيان كهدفها مدارس الـ ١٢ لـ ٦٠٠ طلاب
حتى دروس بوردو كيور مارشالين، وآمنت بهي

میبازاتی نه و کسانش له ده سال جسی هدتا کوشتن
کوئینهی مار کری حزبی دیمو کرات گورستان
آ ۵

اگر داری

له تیجه‌ی جلسه‌ی روزی جمعیتی ۱۹ ری بندان: ۲۶
آغاز در سرمایه‌ی اصلی شرکت به ده میلیون تمن
دان او و کاهشیکی نهاده دو و نیم دیگه قبضی
سپرده‌ی خانه‌ی له کسانی نیکی پولی نهاده بیان نهاده
دستوری به لام قازانچیان بیهوده ناکری هفتاد و صولتی
ده کری به لام قازانچیان و شرکتی مجاز کرا که سرمایه‌ی
پول نهاده بیشانه و شرکتی مجاز کرا که سرمایه‌ی
خوبی به دو و مثاب مبلغ اصلی زیاد بکار کسانیکی تاویتا
که سپهیان نه کر پول نهاده تو اوان به قبضی
سپرده‌ی دو خانه‌ی همچند سپهیمک مایلین بکردن
هر سپهیمک شرکت بیهوده قله له به که هزار تمن لـ^ه
برواری نهاده نوسرا او و قبضی سپرده‌ی دو خانه بیهوده
ده کری هـ^{هـ} تا آخری ماتنگی رـ^{هـ} مـ^{هـ} ۱۳۴۰^{هـ} هـ رـ^{هـ} کـ^{هـ} مـ^{هـ}
مالیه قبضی خویان به نیوی شرکت تـ^{هـ} رـ^{هـ} قـ^{هـ} کـ^{هـ} رـ^{هـ} دـ^{هـ} کـ^{هـ} رـ^{هـ} اـ^{هـ}
انتقال بدهن :

مدیری شرکت ترقی کورسستان
محمد امین معینی

(آگاداری)

رودگون کجوان و زنان قده‌خوبه
له سر مرارداوی هیته‌تی ملی گوندستان هدر پیاووه به زور
زئی به عینه‌د گوند رایته‌ویله گنوبه‌سراسته‌ومن اکبیشی دهی بکارزدی
بوز ومه گز کچیکش رزا اکبیشی دهی او پیاووه بکارزدی هه ما کجوان
خلو زیستی بکا وندیده‌تی وعائی شارعیش نهی به عینه‌د به بی د
کچیکه رشای بیی جزای نیمه‌و گونه‌هه سیه انتگوکه تامیصال حیس
ده کری. ۲۶ روی پندان ۱۳۴۶ و پیش هه هیته‌تی بیلی
کورستان حاجی بید باخیعه

ریسی مینهای دسته دیگر
ملحقی سود پایا شنید

هزار آیینه ای
هزار آیینه ای

هزار آیینه ای

هزار آیینه ای

هزار آیینه ای

هزار آیینه ای

هزار آیینه ای

هزار آیینه ای

جماعی و سیاست (ایدی اسلامی) است این که
گیر و مساهه هم خود را می سازد تا نظر [شناخت] این
جهت نو شای و شایش رو زندگانی این نظر استوار
و احساساتی حیوان گفته اند این در گزینه
حتی دلخواه بود که بکو شاخش و بده گفت [پنهان] یعنی
خری بده چه رسانیده نه گذشت بلطف این
رسانی پنهان در پوشش باشد این نه اینکه این
حکم کی یا کسی نشانی نموده است اما این که این
دستکنون اماده چشمی شریعت است که این را
(الا در درود و نیقاوت) عذر کن و درست این در
تمدن اعوانی نه مذاقنه نمود و این در نهاده ای
همه که بنشیک نهار آن این این این این این
لوبه بلوکه کی تری دستی شد گذشت و این شریعت
گیر خواهد داد زمینه ای و زیره ای و می طاره ای
هستی یقه معمولی اسلام و حق از این و می زنی زنی
و تکری آسمانه ای ماجراه ای کی پیش از گذشت
رئیس خزانه و سلطنت جمهوری ای و درست ای
زوییکی زور زور نه بور آی ای زور زور ای نه زور زور
قوتلرین و خدمومن بازیزیکی و بزرگتر چشمکش
بر لایه ایه تو مولایت بیکوهه زمکنه میزبانی به
خدمت و فیداگری نیشمان میبن (و میشان) طلاق
الله بجزء

الله ذمته لا ينفعه اشتراكه في حربه
پروان و ایوانی وجود بکنه ن و این آدمی هنری
کوچه دسته دایره که مذا پایین
بیزی کوره و گروه شستی گشته رده : پیر
پشو اور فیس جمهوری کوچه همان چنان
قاضی محمد : پیر